



ما از جان سینما چه می‌خواهیم؟

بررسی سینمای دهه نود در ایران اغلب مردم را به این نتیجه رسانده که نباید منتظر اتفاقی در سینمای ایران باشند؛ اما ما پوست کلفت‌ها که هم به مدیوم سینما و هم به فرهنگ، رویا و تاریخمان امیدواریم، هنوز چشم‌به‌راه یک اتفاق در سالن‌های سینما هستیم. این اتفاق کی و چگونه رخ خواهد داد؟ نقدنوشت تلاش می‌کند در این جشنواره به این پرسش پاسخ دهد و نشانه‌های امید به این اتفاق را پیدا کند و گزارش دهد.

بر این اساس مادر نشریه «نقدنوشت» به دنبال نشانه‌هایی از آن اتفاق می‌گردیم. می‌دانیم که آن اتفاق هرچه باشد در همین صحنه کنونی رقم خواهد خورد و صرفاً نمی‌توان نشست و منتظر بود. باید به سمتش حرکت کرد. «نقدنوشت» در چهلمین جشنواره فیلم فجر، با آغوشی گشوده به استقبال و ملاقات تک‌تک فیلم‌های می‌رود و به دنبال نشانه‌هایی می‌گردد که ما را به آن اتفاق سینمایی نزدیک یا از آن دور می‌کند. در گزارش این وضع، «نشانه‌ها» برای ما مهم است؛ اما منظور ما، نشانه‌شناسی به معنای متداول کلمه نیست. می‌دانیم که فیلم یک موجود زنده است و نمی‌توان آن را مانند یک «متن مرده» پاره پاره کرد و آن را زیر دستگاه تحلیل نشانه‌شناسانه برد و اصطلاحاً آن را «خوانش» کرد. مادر نقدنوشت تلاش می‌کنیم از مبدأ «فرم فیلم» آغاز کنیم؛ اما توقف در نقد فرم، در وضع کنونی سینما یا یک تفنن است یا یک توهم. اغلب فیلم‌های سینمای ایران شایسته نقد فرمی نیستند و تمرکز افراطی بر فرم آثار، جفا به هنر و فرم است. ما از توضیحی درباره فرم فیلم آغاز می‌کنیم اما بلافاصله از آن عبور می‌کنیم. با این توضیح نوشته‌های نقدنوشت گاهی رنگ و بوی تحلیل «اقتصاد سیاسی» به خود می‌گیرد. گاهی به سمت تحلیل فرم‌متنی آثار می‌رود. گاهی به دنبال استعدادهای آینده‌دار سینمایی رود. گاهی نظام تولیدی آثار را بررسی می‌کند و گاهی جایگاه فیلم را در بستر تاریخی و فرهنگی ما متذکر می‌شود. در همه این نگره‌ها، ما با توضیح وضع موجود سینمای ایران و نسبتش با تاریخ و فرهنگ و انقلابمان، به دنبال آینده‌ای برای سینمای می‌گردیم. تمرکز مادر «نقدنوشت» بر سه پرسش اساسی است و پس از تماشای فیلم‌های هاسعی می‌کنیم با در نظر گرفتن این سه پرسش سخن بگوییم:

۱- فیلم‌های سینمای ایران و به‌ویژه فیلم‌های این جشنواره، با همه ویژگی‌ها و مولفه‌های فرمی‌شان، چه توضیحی از وضع سینما، جامعه، تاریخ و انقلاب به ما می‌دهد؟

۲- ساخته شدن این فیلم‌ها در وضع کنونی سینما به چه معناست؟ این پرسش ناظر به معنای خود فیلم‌ها نیست که با رمزگشایی از نشانه‌های آن حاصل شود. ما نمی‌پرسیم «این فیلم چه معنایی دارد؟». ما می‌پرسیم «ساخته شدن این فیلم» چه معنایی دارد؟

۳- چه فعل و انفعالاتی در اجتماع سینمای ایران در حال وقوع است و چه نشانه‌هایی به لحاظ تکنیکی، موضوعی، مضمونی، تولیدی و سیاسی-اقتصادی در حال ظهور و بروز است و این نشانه‌ها چه هشدار یا نویدی برای تاریخ آینده سینمای ایران و فرهنگ و هنر ما دارد؟

ناگفته پیداست که این متن در واقع یک مانیفست کلاسیک برای یک نشریه نیست. این متن دعوتی است به طرح پرسش‌هایی اساسی برای توضیح وضع موجود و گزارش نشانه‌های فراری از وضع موجود به سمت وضع مطلوب. ما می‌خواهیم بپرسیم که در این سینما به واقع چه خبر است و آیا اتفاقی در حال رخ دادن است؟ با این همه اگر بخواهیم شعاری را برای این متن در نظر بگیریم که شبیه به شعارهای مرامنامه‌ای باشد می‌توانیم بگوییم: «پوست کلفت‌های سینما! متحد شوید!». بیایید متحد شویم و از این سینما انتظار رقم زدن یک اتفاق داشته باشیم.

سید علی سیدان سردبیر



سالن سینما که تاریک می‌شود، ماتماشاگران به دنبال یک «اتفاق» هستیم؛ اتفاقی که شگفت‌زده‌مان کند و دست‌کم تا مدتی به آن اتفاق فکر کنیم، آن را در زندگی خودمان بباییم و در بزنگاه‌هایی، بتوانیم از تصویری که آن اتفاق آفریده است، الهام بگیریم. اگر با این معیار به فیلم‌های سینمای ایران - به‌ویژه در سال‌های اخیر - نگاه کنیم، ناامید خواهیم شد. هر بار که تیتراژ فیلمی بالا می‌آید، ما فیلم بین‌ها، دست‌از پا در اتر از سالن بیرون می‌رویم. ما کم‌کم به این نتیجه رسیده‌ایم که در سینما نباید به دنبال هویت، تاریخ، هنر، رویا، و فرهنگمان باشیم. آن‌هایی که سینما برایشان «مسئله» نیست، خیلی زود از رقم خوردن این اتفاق ناامید شده‌اند. متأسفانه اغلب مردم در این دسته می‌گنجند. نگاهی به آمارهای فروش سینمای ایران (پیش از شیوع کرونا) به ما می‌گوید، پرفروش‌ترین فیلم سال‌های اخیر فقط چهار درصد مردم در سینما دیده‌اند. از این تعداد تماشاگر، نصف فروش سینمای ایران در شهر تهران بوده است! این یعنی مردم سینما نمی‌روند و امیدی به این سینما ندارند. این در حالی است که در سال‌های دهه شصت سینمای بسیار پررونقی داشته‌ایم.

فقط در سال ۶۹ ما ۷ میلیون قطعه بلیت در سینماها فروخته‌ایم؛ در شرایطی که تعداد سالن‌های سینما کمتر از امروز بوده و همچنین جمعیت ایران هم تقریباً نصف امروز بوده است! در این شرایط دو دسته از مردم به سینما می‌روند: ۱- طبقه نوکیسه و خوش‌باش و زحمت‌نکشیده ایرانی که فقط به دنبال «مصرف» است و کاسبی محدود و کوچک تهیه‌کنندگان سینما را رونق می‌دهد. فیلم‌ها هم عمدتاً برای این ذائقه ساخته می‌شود. اغلب فیلم‌ها، کم‌دی‌های نازلی است که یک تجارت خرد را برای سینماگران رقم زده است. ۲- جان سخت‌ها و پوست‌کلفت‌هایی که همچنان به دنبال آن اتفاق در سالن سینمای می‌گردند اما با دیدن این فیلم‌ها شاد و پشیمان می‌شوند. البته این دو دسته در واقع دو نیروی موجود در سینمای ایران هستند و اینطور نیست که همه افراد را دقیقاً بتوان در یکی از این دو دسته جای داد. مسئله اصلی این است که ظاهر این نیست اتفاقی

در سالن‌های سینما رقم بخورد. انگار اتفاقات تاریخی ما، بیرون از سینما رقم می‌خورد و فیلم‌ها سایه‌هایی از اتفاقات بیرونی هستند. فرهنگ و هنر و روئای سیاست و اقتصاد شده است و سینما به عنوان یک مدیوم هنری و فرهنگی تابعی از یک اقتصاد سیاسی بیمار است. پرسش اصلی این است که «پس ما چه چیزی از جان این سینما می‌خواهیم؟». مگر سینما چه نیرویی دارد که ما هنوز به آن دل‌بستگی و امید داریم؟ و مگر ما چه رویایی داریم که هنوز در مدیوم سینما به تصور درنیامده است؟ کسانی که هیچ رویایی در سر ندارند یا کسانی که سینما را شایسته انعکاس آن رویا نمی‌دانند، شاید ما را مسخره کنند. آن‌ها با دیدن شرایط جامعه و سینمای ما خیلی زود حکم به مرگ فرهنگ و هنر داده‌اند؛ اما مروری بر رویا‌هایی که در همین مرز و بوم به واقعیت تبدیل شده است و همچنین مروری بر رویا‌هایی که با مدیوم سینما در ذهن و دل تماشاگران نقش بسته است نشان می‌دهد که هنوز می‌توان به آینده سینما و پیوندش را رویای انسان ایرانی امیدوار بود. هنوز می‌توان در تاریکی سالن سینما به دنبال آن اتفاق گشت.

شماره اول:

درام و ملودرام اجتماعی

سینمای دهه نود را چگونه صدا بزنیم؟

پرتکرارترین موضوعات و مضامین در سینمای دهه نود ایران



در اینفوگرافیک پیش رو، ضمن مرور مهم ترین فیلم های سینمایی ساخته شده در دهه ۹۰، تلاش کرده ایم به احصاء بارزترین مضامین و موضوعات بازنمایی شده در آثار این دهه بپردازیم. استخراج مضامین و موضوعات یادشده با آگاهی از تمایزهای مفهومی میان دو واژه «مضمون» و «موضوع» صورت گرفته است.

باتوجه به تراکم انبوه آثار سینمایی ساخته شده در دهه ۹۰، ناگزیر به صرف نظر کردن از فیلم های کم اهمیت و کمتر تماشاشده بوده ایم. بنابراین، تنها به انتخاب آن فیلم های سینمایی پرداخته ایم که در شکل گیری حافظه جمعی مخاطبان سینمای دهه ۹۰، سهمی هرچند ناچیز داشته اند. فیلم هایی که پربحث بوده اند، جایزه گرفته اند یا پرمخاطب بوده اند. متاسفانه شمار فیلم هایی که مطلقا هدر شده اند و اصلا در یادها نمانده اند، بسیار زیاد است.

نتایج حاصل از مرور فیلم های مهم دهه ۹۰، ما را به یک طبقه بندی موضوعی رهنمون ساخت. این طبقه بندی موضوعی، سه دسته متمایز را دربرمی گیرد که سه رنگ اصلی سینمای دهه ۹۰ را ساخته اند. این سه دسته عبارتند از:

۱. درام و ملودرام اجتماعی ۲. سیاسی و تاریخی ۳. کمدی و فانتزی

ذیل هریک از دسته های مذکور، فیلم های مربوط به همان دسته گردآوری شده است.

گردآورندگان: محمد خاجی، سید علی سیدان گرافیکست: سید احمد موسوی